

اول سال است، به جز توکل به خدا و امید به او هیچ نداریم، تا او چه مقدار فرموده باشد. امید دارم به حق ائمه اطهار در حق بندگان خودش خوب خواسته باشد و در حق این بندۀ ذلیل خودش هم خوب خواسته باشد.

پنجشنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۲۴



«شارزدفر» انگلیس به حضور مبارک مشرف شدند. سردار کل هم امروز مرخص شد رفت به تبریز برای اردو که امسال در آن جا تشکیل خواهد یافت. تلگرافخانه را هم از مخبرالدوله گرفتند دادند به سپهسالار.

جمعه ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۴



رفتم در خانه. اتابک اعظم، نایب السلطنه و سایر وزراء بودند تا مدتی در حضور مبارک شرفیاب بودم. رفتم به خانه ظهیرالاسلام برای امر مهمی! چون مدت پنج ماه است که من و سرکار علیه عالیه دامت شوکتها اخترالدوله، قهر و با هم سازگار نیستیم؛ یعنی مدت ده سال است؛ دوستان و محبان چنان دیدند که حضرت علیه عالیه نسبت به این چاکرشان مهر و محبتی ندارند؛ گفتند که بایست فکری کرد هر ترفندی به کار برده شد و هر نوع تدبیری زده شد. به جانی نرسید، پس معلوم شد که خداوند متعال چیز دیگری خواسته است. پس باید پناه به خود او برد، اگر چه همیشه امید به درگاه او داشتم و این جا هم به امید او، در خدمت آقای ظهیرالاسلام و چندین عالم محترم عادل طلاق حضرت علیه گفته شد. خدا یا پناه بر تو!

شنبه ۲۸ محرم الحرام ۱۳۲۴



اعلیحضرت همایونی یکی یک پنجهزاری به ما مرحمت فرمودند. من

عَضْدُ الدُّولَةِ در حضور مبارک نذر بندی کردیم و یک کلاه علی خان گذاردنده،
من با گلوله اول زدم و او هر چه انداخت نزد.

دوشنبه سلح محرم الحرام ۱۳۲۴



بَنْدَگَانُ اَعْلَى حَضْرَتِ هَمَايُونِی سوار شدند رفتند درَّهُ زَرَک، يَكْ كَبَکْ هَم
صَيْدَ شَسْتَ مبارک شَدَه مراجعتَ به فَرَحَ آبَادَ كَرْدَنَدَ وَ مَن رَأَى مَقْرَرَ فَرَمَوْدَنَدَ در
جَلْوَ اَتُومَبِيلَ نَشْتَمَ.

چهارشنبه ۲ صفر المظفر ۱۳۲۴



وزیر افحتم که چندی بود به کاشان رفت و بود امروز حاکم یزد شد.
ملک آراهم حاکم ثلثه شده و چند روز است که رفت و امروز سردر افحتم
آمد مرخص شد که برود فرنگستان که بعضی اسباب‌های فشنگ‌سازی و
اسلحة ابیاع نماید.

شنبه ۵ صفر المظفر ۱۳۲۴



تاسوعت چهار از شب، در خانه بودم. یک قاب پلو اسلامبولی، بندگان
همایونی به من مرحمت فرمودند.

سه شنبه ۸ صفر المظفر ۱۳۲۴



چهار ساعت به غروب بندگان همایونی تشریف فرمای باع دوشان تپه
شدند. امروز مقرر فرموده بودند که هر کسی خری بدواند. یعنی خرها
همدیگر را سوار بشوند. هر کدام عقب ماند آن برنده باشد. خلاصه هر کسی

یک خر و امانده‌ای آورده بود و دواند خالی از تماشا نبود.

چهارشنبه ۹ صفر المظفر ۱۳۲۴



امروز عصر، سرکار علیه عالیه نوای اخترالدوله که مدت ده دوازده روز است طلاق داده‌ام، از این جا به کلی تشریف برند و خانه امین همایون را اجاره فرموده‌اند.

جمعه ۱۱ صفر المظفر ۱۳۲۴



پسر نظام‌العلماء که برادر ناصرالسلطنه است و معتم است، از تبریز چندی است آمده، امروز هم آمده بود، شرفیاب شد.

سه شنبه ۱۵ صفر المظفر ۱۳۲۴



حاجی مجdalملک وزیر داخله شدند.

شنبه ۱۶ صفر المظفر ۱۳۲۴



امروز یک نفر از شکارچی‌های شمیران یک بزغاله زده بود، برای من آورده، گفتم برای فردا نهار چلوکباب درست کنند.

سه شنبه ۲۲ صفر المظفر ۱۳۲۴



علاءالسلطنه چند روز است که از لندن آمده است. مسیور «نوز» هم دیروز وارد شده است چون مدتی بود که فرنگستان رفته بود. باری چندین دفعه خلوت شد.

سه شنبه ۲۹ صفر المظفر ۱۳۲۴



آقای سید بهرام گروسی که در واقع پسر عمومی تنی حاجی امین‌الخاقان می‌شود. چند روزی است که از گروس آمده است.

چهارشنبه سلح صفر المظفر ۱۳۲۴



انتظام‌الدوله حاکم گلپایگان و خوانسار شده است.

یکشنبه ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۴



اعلیحضرت همایونی مقرر فرمودند که: فردا صبح، باید بروی به جاجرود، از قرق سرکشی نمائی، قدری هم از سنگ‌های براق که مثل در است، از برای من بیاورید.

سهشنبه ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۴



جلال‌الدوله، از حکومت کردستان معزول شده، حاکم زنجان شد و وزیر همایون بر جای او، به کردستان حاکم شد. عضدالسلطان از رشت معزول است ولی هنوز وارد نشده است.

پنجشنبه ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۴



سپهبدار عمل نان و گوشت شهر طهران را قبول کرده است که به یک نرخ بفروشد.

پنجشنبه ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۴



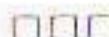
سفیر دولت (رمی) که با دو نفر دیگر، به سفارت فوق العاده آمده‌اند به

حضور مبارک مشرف شده، نشان دولت خودش را که آورده بود رسماً تقدیم کرد.
پنجشنبه ۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۴



سار زیادی آمده است به هوای توت، مردم شهر خیلی صدا می‌کنند
اتصالاً صدای تفنگ است که شنیده می‌شود.

جمعه غرہ ربیع الآخری ۱۳۲۴



بر حسب دعوت نایب‌السلطنه که در حقیقت «گاردن پارتی» است
یعنی تفرج در باغ و صرف عصرانه، سوار شده رفته‌یم و سفرای خارجه و سفير
فوق‌العاده و زن‌های فرنگی تماماً بودند. بسیار بسیار مجلس عالی بود، قزاق
گارد و ژاندرام به ترتیب ایستاده بودند.

دوشنبه ۴ ربیع الآخری ۱۳۲۴



وزیر مختار هلند که تازه آمده است، شرفیاب شد با لباس رسمی
شاهزادگان هم با شمشیر ایستاده بودند، خطابه خودش را خواند، جواب
مختصری شنیده رفت.

سه‌شنبه ۵ ربیع الآخری ۱۳۲۴



مطرب‌های ارمنی، در باغ بهارستان، برای سفیر می‌زدند، ما هم گوش می‌کردیم.

سه‌شنبه ۵ ربیع الآخری ۱۳۲۴



امروز خیار در بازار، دانه‌ای یک عباسی بوده است!

پنجشنبه ۷ ربیع الآخری ۱۳۲۴



سالار اکرم که حاکم رشت شده است. امروز ملقب به وزیر اکرم شده است.

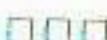
پنجشنبه ۱۴ ربیع الآخری ۱۳۲۴



سعیدالسلطنه را دیروز، محکوماً به مشهد مقدس برداشت. هنوز جهتش

را نفهمیده ام.

پنجشنبه ۱۴ ربیع الآخری ۱۳۲۴



روز گذشته حکم به خارج بلد (کردن) بعضی مردمان بی تربیت نمودند، نزدیک امامزاده یحیی، شیخ محمد برادر حاجی ملا باقر واعظ را حکم به سلطان قراولخانه به گرفتن او دادند، طلاب ... طرف شدند، یک نفر سید گلوله می خورد و می میرد.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



بعد از چند روز گفتگوی صریح گفتند: شاهزاده اتابک را نمی خواهیم،

مجلس (و) عدالتخانه می خواهیم.

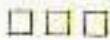
۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



از طرف دیوان گفتند: این مجلس برداشت حركت جمهوری است، ما

اذن نمی دهیم.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



جمعی از تجار قند در سفارتخانه انگلیس بست نشستند که ما امتیت نداریم.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



از حضراتی که متحضن در سفارت انگلیس هستند بنویسم: خلق کثیر از تجار و طلاب در آنجا جمع شده‌اند. و مخارج شام و نهار را خودشان می‌دهند، چای و شربت و قلیان از سفارتخانه می‌دهند.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



فوج فوج و گروه گروه از ملا و سید و عام و طلاب و کتاب و تجار پشت به پشت تا دربِ خانه سفارتخانه بودند.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



شاهزاده اتابک از نایب وزیر مختار موافذة سخت نموده بودند.
۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



نایب وزیر مختار گفته بود: من یک نفر نایب سفارتخانه بیش نیستم و به من هیچ دخلی ندارد، هر کس از اهل عالم باید در زیر سایه پارلمان دولت انگلیس بست بنشیند بر دولت انگلیس واجب است از آنها در نهایت احترام نگاهداری نماید و نگذارد کسی به آنها زور بگوید.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



بطور واضح یک نفر سید گلوله خورده مرده است به قول دیگر بیست نفر گلوله خورده و چند نفر زخمی شده‌اند.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



امروز دو روز است که عین‌الدوله را از اتابکی معزول نموده‌اند، حکم

شده است برود در «پشم» که سلاق پشتکوه است تا درباره او حکمی در ثانی شده، تکلیف او را معین نمایند.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



تمام کارهای صدارت با میرزا نصرالله خان مشیرالدوله شده است،
لقب رئیس وزرائی به او داده‌اند.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



آقای نایب‌السلطنه تلفن به آنها فرمودند که شما شکایت از عین‌الدوله
داشتهید، او را معزول فرمودند، دیگر چرا از سفارت برون نمی‌آید؟...

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



مردم روز بروز جمعیت‌شان زیادتر می‌شود، هر روزی سه خرووار الی
چهار خرووار برنج، شام می‌خورند.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



تلگراف ادوارد هفتم به متحصّنین سفارت انگلیس.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



گفتند: دست خط که برای ما آورده‌اند خدعاً است تا چهار دولت
ضمانت این مجلس را نکند ماهانمی‌آئیم.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



سود دستخطِ جهانطاع همایون را برداشت، اعلان نموده، چاپ کرده، در سر تمام کوچه‌ها چسبانیدند و برداشت در سفارتخانه انگلیس مردم زیارت (کردند).

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



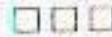
(مردم) هم جواب دادند باید به امضای چهار دولت بر سرده ماهها قبول نمی‌کنیم، اعلان‌ها را هم مردم از کوچه‌ها کنندند و به دور انداختند.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



تمام شهر طهران آنچه دکان و بازار بود، بسته و رفته‌اند در سفارت انگلیس.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



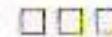
شب عید شاه درب سفارت انگلیس را تجارت، عوض درب دکان و بازار، چراغان خیلی خوب نموده‌اند.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



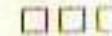
تمام مردم را هم بدون جلوگیری در سفارت راه می‌دادند، تخمين تا نود هزار هم زدند، یعنی تمام مردم طهران غیر از طبقه نوکر!...

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



آشوب غریبی بر پاشده است، هیچ کس همچو چیزی خاطر ندارد.

۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴



کارها بر وفق دلخواه تجارت و کسبه و تمام عموم انسان است، از این جهت مردم جشن گرفته‌اند.

شنبه ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴



امروز بر حسب دعوت وزیر دربار (امیر بهادر جنگ) باید برویم به اردوی نظامی اش. به قول خودش بربگاد کشیک خانه.

دوشنبه سلخ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴



وزیر دربار امیر نویان شد.

دوشنبه سلخ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴



امروز اعلیحضرت همایونی سلام عامه نشستند، امروز مشیر‌السلطنه وزیر عدالتیه شد.

پنجشنبه ۱۵ شعبان‌المعظم ۱۳۲۴



مجلس عقدکنان دختر آصف‌السلطنه به جهت موتمن‌الملک پسر صدراعظم.

جمعه ۱۶ شعبان‌المعظم ۱۳۲۴



امروز اعلیحضرت همایونی سلام خبر کردند، به جهت مجلس عدالتخانه.

یکشنبه ۱۸ شعبان‌المعظم ۱۳۲۴



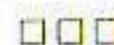
رفتم مغازه هلندی، آقای نایب السلطنه آنجا تشریف داشتند.

دوشنبه ۱۷ رمضان المبارک ۱۳۲۴



لباس رسمی پوشیده رفتم درب خانه سلام.

پنجمین غرہ شوال المکرم ۱۳۲۴



منصورالحكماء آمد آبله مرا کویید. انشاء الله مبارک است.

چهارشنبه ۴ شوال المکرم ۱۳۲۴



برادر آصفالسلطنه را اعلیحضرت فرستاده بودند به جهت

احوالپرسی.

جمعه ۱۳ شوال المکرم ۱۳۲۴



ولیعهد هم دیشب تشریف آوردن.

شنبه ۲ غرہ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴



امروز تمام صاحب منصبان را خبر کردند که به زیارت حضرت اقدس

مشرف شوند.

پنجشنبه ۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴



آقا فرمودند به اتفاق سردار افخم برویم پیشواز حرم اقدس ولیعهد.

پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴



امروز نظامنامه مجلس را اعلیحضرت صحّه فرمودند. حضرت اقدس هم مهر کردند.

دوشنبه ۱۵ ذی القعده الحرام ۱۳۲۴



رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدم، حالت شاه خیلی بد است.

جمعه ۱۹ ذی القعده الحرام ۱۳۲۴



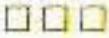
رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدم. حالت اعلیحضرت روز بروز برتر می‌شود.

شنبه ۲۰ ذی القعده الحرام ۱۳۲۴



سوار شدم رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدم، حالت اعلیحضرت هم امروز خیلی بد است.

یکشنبه ۲۱ ذی القعده الحرام ۱۳۲۴



یک ساعت به غروب آمدم درب خانه که به خاکپای مبارک مشرف شوم، دیدم که قرق کرده‌اند، گویا حالت اعلیحضرت خیلی بد بود.

سهشنبه ۲۳ ذی القعده الحرام ۱۳۲۴



اعلیحضرت همایونی مظفر الدین شاه آنارا، دیشب که شب چهاردهم ذی القعده الحرام ۱۳۲۴ (باشد)، چهار ساعت از شب گذشته دنیای فانی را وداع گفته است، و نعش را غسل داده باحترام تمام برداشتند در تکیه دولت

امانت گذاشتند.

چهارشنبه ۲۴ ذی القعده الحرام ۱۳۲۲



امروز سلام نعش است، بالباس رسمی باید برویم. تمام وزیر مختارها آمدند به تعزیت، خدمت اعلیحضرت همایونی (محمدعلی شاه).

۱۳۲۲ ۲۸ ذی القعده الحرام



از جمله کارهائی که از نوکرهای شاه مرحوم گرفتند از این قرار است: حمیدالملک ناظر، نیرالسلطان حاجب الدله، فتحالسلطان کشیک چی باشی، میرشکار میرشکار قدیم. امیرآخور هم سalar شد.

غمه ذی الحجه الحرام ۱۳۲۲



امروز تاج‌گذاری اعلیحضرت اقدس شهریاری محمدعلی شاه ارواحنا فداء است.

شنبه ۴ ذی الحجه الحرام ۱۳۲۲



امروز سلطان احمد میرزا را خلعت و لیعهدی پوشانیدند. علام الدله هم وزیر دربار شد.

۱ ذی الحجه الحرام ۱۳۲۲



به واسطه آمدن برف، سلام عام منعقد نشد، سلام خاص در توى نارنجستان منعقد شد.

۱۸ ذی الحجه الحرام ۱۳۲۲

رفتم منزل مخبر الدولہ، مجلس عقدکنان بود به جهت پسر سردار افخم.

۱۳۲۴ ذی الحجه الحرام ۱۸



غوغای غریبی بود (در) مجلس، گویا باز خیال اغتشاش دارند.

۱۳۲۴ ذی الحجه الحرام ۲۶





مظفرالدین شاه

روزنامه خاطرات غلامعلی خان

عزیزالسلطان

(ملیجک ثانی)

۱۳۲۴ هجری قمری

سنه یکهزار و سیصد و بیست و چهار هجری قمری



مظفرالدین شاه قاجار

یکشنبه ۶ شهر محرم الحرام ۱۳۲۴

سوار شده، رفیم زیارت حضرت عبدالعظیم. در بین راه، هم تفنگ می‌انداختیم و هم ذکر می‌فرستادیم و هم خودم در شکه می‌راندم. باری زیارت خوانده، فوراً برگشتم. رفیم در خانه. اعلیحضرت همایونی استراحت کرده بودند. بعد تشریف فرمای تکیه شدند. من رفیم به طاقنما عضدالدّوله، (تعزیه) وفات پیغمبر بود. بعد از تعزیه، باز حضور مبارک مشرف شدیم، تا نیم ساعت از شب. آنوقت اعلیحضرت همایونی میل فرمودند مخفیانه بروند تماشای تکیه. جز من و بصیرالسلطنه، عمید حضور و عیسی خان و ناصرالدین میرزا و نصرالسلطنه و اعتضادالسلطنه، کسی نبود. باری، یک ساعت معطل شدیم؛ تماشا می‌فرمودند.

دوشنبه ۲ شهر محرم الحرام ۱۳۲۴

بعد از ظهر نماز خوانده، رفیم در خانه، به خاکپای مبارک شرفیاب شدم. بعد تشریف فرمای تکیه شدند. شبیه وفات حضرت فاطمه(را) درآوردند. بعد از تعزیه هم به خاکپای مبارک بودیم.

سهشنبه ۳ شهر محرم الحرام ۱۳۲۴

دیشب، آخر شب، قولنج خیلی سختی کردم. در همان وقت تلفن کردم به منزل منصورالحكماء، ساعت هفت آمد خیلی خوشوقت شدم، مشغول معالجه شد تا تزدیک صبح درد قدری آرام گرفت.

چهارشنبه ۴ شهر محرم الحرام ۱۳۲۴

الحمد لله حالم خوب است. گفتند که اعلیحضرت همایونی سوار می‌شوند. اول

قدرتی تردید داشتم، بعد میل به سواری شد، درشکه شکاری را سوار شده، راندیم برای فرح آباد. اعلیحضرت همایونی، زودتر از ما رسیده بودند. به خاکپای مبارک شرفیاب شدیم. بعد از صرف نهار، نیم ساعت استراحت فرمودند، سوار شده مراجعت به شهر فرمودند. ما هم از جاده بی که تازه ساخته اندراندیم. رفتیم تکیه، تعزیه شهادت مسلم بود. «رضا بر قی» مسلم شده بود. یک ساعت به غروب، تعزیه تمام شده، نایب السلطنه هم آمده بود در طاقنمای اتابک اعظم نشته بود. بعد، احضار شده، به خاکپای مبارک تشریف حاصل کرده، وقت غروب مرخص شده، نیم ساعت از شب تشریف فرمای تکیه شدند، به طور مخفیانه مشغول تماشا شدند. ما هم رفتیم در طاقنمای اتابک اعظم، که امیر خان سردار بسته است، نشسته، صرف قلیان و چای و شربت کرده، آمدم دم در، سوار شده، آمدم منزل.

پنجشنبه ۵ شهر محرم الحرام ۱۳۲۴

کالسکه حاضر کردند. رفتیم به تعزیه. اتابک اعظم خودش، به واسطه پا دردش نیامده بود. مشیر السلطنه، امیر خان سردار و غیره بودند. خبلی خنک بود، به تغزیه دهات بیشتر شبیه بود. بعد آمدم منزل. آقا میرزا آقا خان را برداشته، رفتیم منزل صدیق الحرم، روضه. آنجا هم ناصر السلطنه و حکیم الملک و تبرالممالک بودند. بسیار بسیار، مجلس خوبی است. باری، هر ساله شکون^۱ داریم، که بعد از روضه، نهار را هم منزل صدیق الحرم صرف نماییم. آقا سید محمد باقر هم بود.

بعد آمدم در خانه، به خاکپای مبارک شرفیاب بودم. تا وقت تعزیه، بر حسب معمول رفتیم طاقنمای عضدالدوله نشسته. امروز، دیگر همه جور آدم بود، که قابل نوشتن نیستند. یک ساعت و نیم به غروب برخاسته، رفتیم منزل عضدالملک، به روضه.

۱- منظور «شکون» است، به معنای قال یک و مینت و خیستگی.